تقویت سرمایه اجتماعی از منظر نظریه بازی‌ها

حرکت از تعادل بی‌اعتمادی به تعادل همکاری

یادداشت



حسین عبده تبریزی
اقتصاد دان و استاد دانشگاه

در هفته گذشته مشغول خواندن جلد دوم کتاب استاد گرامی، دکتر محمد طبیبیان بودم (اقتصاد از دیدگاه انسانی). ایشان لطف کرده‌اند و از من خواسته‌اند که کتاب را پیش از انتشار بخوانم. اکنون به فصل‌های جالب نظریه بازی‌ها رسیده‌ام و از مطالعه آنها بسیار استفاده کرده‌ام. به ایشان عرض کردم که جلد اول کتاب، که سال گذشته منتشر شد و نسخه دیجیتال آن نیز در اختیار خوانندگان قرار گرفت، برای مدیران و علاقه‌مندان غیراقتصاددان هم قابل استفاده است؛ اما جلد دوم تخصصی‌تر است. پاسخ ایشان این بود که برای شناخت اقتصاد باید وقت گذاشت، با حوصله مطالعه کرد و قدری به عمق نظریه‌ها رفت. امیدوارم کسانی که جلد اول کتاب را خوانده‌اند، پس از انتشار جلد دوم، فرصت مطالعه آن را نیز پیدا کنند. به این نتیجه رسیدم که از مباحث نظریه بازی‌ها برای بررسی عنوان «بازگشت به مردم و تقویت اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی»، استفاده کنم، چرا که در امروز ایران، برای توسعه، سخت به آن نیازمندیم. پرسش این است که چرا در برخی جوامع، رفتارهایی مانند رشوه‌دادن، امتیازخواهی، انحصارطلبی و تشکیل حلقه‌های بسته قدرت و ثروت استمرار می‌یابد، درحالی‌که بسیاری از مردم از نتایج آن ناراضی‌اند؟ چرا حتی کسانی که از وضع موجود شکایت دارند، گاه در بازتولید آن مشارکت می‌کنند؟ و چگونه می‌توان شرایطی ایجاد کرد که همکاری، درستکاری و رعایت منافع عمومی به انتخاب‌هایی عقلایی تبدیل شوند؟

دکتر طبیبیان در کتاب خود می‌نویسند: «مسأله درک، تحلیل و یافتن تعادل و بهینگی، وجه بسیار مهمی از تئوری بازی‌هاست که از نیمه قرن بیستم معرفی شده است. شاید در تمام طول تاریخ، معارضه به این معنی بوده است که یا یک طرف منکوب شود، یا معارضه ادامه یابد تا هر دو طرف معارضه از پای درآیند، یا به حالت نقطه شروع بازی رجعت کنند. نظریه‌پردازان رشته تئوری بازی‌ها نشان دادند که در معارضه نیز ممکن است حالت تعادل وجود داشته باشد و بعضاً تعادلی یافت شود که بهینه باشد.» اهمیت این نکته در آن است که نظریه بازی‌ها به ما می‌آموزد نتیجه تصمیم هر فرد تنها به انتخاب خودش وابسته نیست، بلکه به تصمیم دیگران و انتظاری که از رفتار آنان دارد نیز بستگی پیدا می‌کند. برای مثال، ممکن است فردی مایل باشد قانون را رعایت کند، اما اگر تصور کند دیگران با تخلف و استفاده از روابط شخصی پیش می‌روند، رعایت یک‌جانبه قانون را به زیان خود ببیند. در مقابل، اگر اطمینان داشته باشد که قواعد درباره همه اجرا می‌شود، انگیزه بیشتری برای همکاری خواهد داشت. بنابراین، اعتماد در این چارچوب فقط فضیلتی اخلاقی نیست؛ عاملی است که بر محاسبه منافع و انتخاب استراتژی‌ها تأثیر می‌گذارد.

یکی از مفاهیم اصلی نظریه بازی‌ها «تعادل نش» است. در چنین تعادلی، با فرض ثابت‌ماندن استراتژی دیگران، هیچ بازیگری انگیزه ندارد که به‌تنهایی استراتژی خود را تغییر دهد. اما نکته مهم آن است که تعادل الزاماً به معنای مطلوب‌بودن نتیجه نیست. ممکن است وضعیتی پایدار باشد، ولی همه یا بخش بزرگی از جامعه از آن زیان ببینند. نمونه شناخته‌شده این وضعیت، بازی «تعارض زندانی» است که در آن انتخاب عقلایی هر فرد، با توجه به رفتار مورد انتظار دیگری، معمولاً به نتیجه‌ای جمعی منجر می‌شود که از همکاری دو طرف نامطلوب‌تر است. فرض کنیم چند بنگاه برای دریافت مجوز یا تسهیلات بانکی رقابت می‌کنند. اگر ضوابط روشن و یکسان باشد، بنگاه‌ها می‌توانند منابع خود را صرف تولید، نوآوری و افزایش بهره‌وری کنند. اما اگر هر بنگاه تصور کند که رقیبان از طریق واسطه، رشوه یا ارتباط با صاحبان نفوذ به امتیاز دست می‌یابند، ممکن است خود نیز همین مسیر را انتخاب کند. نتیجه آن می‌شود که منابع به‌جای تولید، صرف رقابت برای دسترسی به امتیاز می‌شود. همه ممکن است از این وضعیت ناراضی باشند، اما هیچ بنگاهی نیز نتواند به‌تنهایی از آن خارج شود؛ زیرا نگران است که با تغییر رفتار خود، میدان را به رقیبان واگذار کند. دکتر طبیبیان در توضیح جامعه رانتی، از رقابت الیگارش‌ها برای دستیابی به اعتبارات بانکی، ارز و مجوزهای صادرات و واردات سخن می‌گوید. به تعبیر ایشان، این گروه‌ها بخشی از درآمد انتظاری خود را صرف رشوه، جلب حمایت سیاسی و به‌کارگیری روش‌هایی برای به دست آوردن منافع دیگران می‌کنند. حاصل چنین رقابتی، اتلاف منابع، از دست رفتن فرصت‌های تولیدی و محدودشدن رقابت سالم است. از منظر نظریه بازی‌ها، می‌توان شرایطی را تصور کرد که این رفتارها در قالب تعادل نش استمرار یابند، درحالی‌که نتیجه آن برای جامعه نامطلوب باشد. البته هر وضعیت نامطلوب و پایداری را نمی‌توان بدون بررسی، تعادل نش نامید. برای چنین داوری‌ای باید بازیگران، استراتژی‌ها و بازآوردهای آنان را شناخت. همچنین باید میان وضعیتی که به زیان همه است و وضعیتی که گروهی از آن سود می‌برند و دیگران زیان می‌بینند، تفاوت گذاشت. در جامعه رانتی، صاحبان امتیاز ممکن است از حفظ وضع موجود منفعت ببرند. بنابراین، خروج از این وضعیت صرفاً با توضیح زیان‌های عمومی آن امکان‌پذیر نیست؛ زیرا منافع گروه‌های برخوردار با منافع عمومی تعارض دارد. مسأله هنگامی پیچیده‌تر می‌شود که صاحبان امتیاز برای حفظ موقعیت خود با یکدیگر همکاری کنند. ممکن است گروهی به اعتبار بانکی دسترسی داشته باشند، گروهی بر صدور مجوز اثر بگذارند و گروهی دیگر حمایت سیاسی فراهم کنند. این گروه‌ها شاید بر سر تقسیم منافع با یکدیگر رقابت کنند، اما در جلوگیری از ورود رقیبان تازه و حفظ قواعد غیرشفاف، منافع مشترکی داشته باشند. به این ترتیب، رقابت میان اعضای یک شبکه رانتی الزاماً به معنای رقابت آزاد در جامعه نیست؛ گاهی رقابت بر سر تقسیم امتیاز، با همکاری برای حفظ نظام امتیازدهی همراه است. نکته جالب آن است که درون چنین شبکه‌هایی ممکن است اعتماد فراوانی وجود داشته باشد. اعضا یکدیگر را می‌شناسند، روابطشان تکرار می‌شود و برای بدعهدی هزینه تعیین می‌کنند. اما این اعتماد محدود ممکن است به زیان اعتماد عمومی عمل کند. کسی که عضو شبکه نیست، برای دستیابی به حقوق قانونی خود ناچار می‌شود واسطه‌ای پیدا کند یا به فرد بانفوذی متوسل شود. در نتیجه، اعتماد به اشخاص جای اعتماد به نهادها را می‌گیرد. آنچه برای توسعه اهمیت دارد، گسترش اعتماد و امکان همکاری فراتر از حلقه آشنایان است؛ به‌گونه‌ای که حقوق افراد به روابط شخصی آنان وابسته نباشد.

نظریه بازی‌ها همچنین به اهمیت تکرار روابط اشاره می‌کند. وقتی افراد می‌دانند که در آینده نیز با یکدیگر روبه‌رو خواهند شد، رفتار امروز آنان بر منافع فردایشان تأثیر می‌گذارد. فردی که بدعهدی می‌کند ممکن است اعتماد دیگران را از دست بدهد و در تعاملات بعدی زیان ببیند. البته تکرار بازی به‌تنهایی همکاری را تضمین نمی‌کند؛ اهمیت منافع آینده، امکان مشاهده رفتار دیگران و وجود سازوکارهای پاسخگویی نیز تعیین‌کننده‌اند. دکتر طبیبیان برای توضیح این موضوع، به تغییر شرایط روابط اجتماعی در مهاجرت از روستا به شهر یا از یک کشور به کشور دیگر اشاره می‌کند. در اجتماعات کوچک، افراد معمولاً یکدیگر را می‌شناسند و روابطشان تکرار می‌شود. تخلف و بدعهدی ممکن است در حافظه جمعی باقی بماند و هزینه‌ای برای فرد ایجاد کند. اما با انتقال به محیطی بزرگ و ناشناس، احتمال روبه‌روشدن مجدد با همان افراد کاهش می‌یابد و برخی از سازوکارهای نظارت غیررسمی تضعیف می‌شود. این تحلیل به معنای نسبت‌دادن تخلف به مهاجران نیست؛ بلکه نشان می‌دهد چگونه تغییر ساختار روابط و احتمال تکرار تعاملات بر انگیزه افراد اثر می‌گذارد.

نمونه ساده‌تر را می‌توان در رستوران‌های بین‌راهی دید. رستورانی که مشتریانش عمدتاً مسافرانی گذری هستند، ممکن است انگیزه کمتری برای حفظ کیفیت داشته باشد؛ زیرا احتمال بازگشت همان مشتری اندک است. اما در برخورد با رانندگان اتوبوس و کامیون که مرتباً از همان مسیر عبور می‌کنند، انگیزه ارائه خدمات مناسب‌تر افزایش می‌یابد. ایجاد برند و استاندارد مشترک در رستوران‌های زنجیره‌ای نیز راهی است برای آنکه حتی مشتری گذری بتواند به کیفیت خدمات اعتماد کند. در این مثال، شهرت و تکرار تعاملات، بازآورد رفتار درست و نادرست را تغییر می دهند.

در مقیاس جامعه نیز ثبات قواعد و تداوم روابط، همکاری را آسان‌تر می‌کند. جنگ، بحران اقتصادی، جابه‌جایی گسترده جمعیت و فروپاشی نهادهای نظارتی ممکن است سازوکارهای پیشین اعتماد و پاسخگویی را تضعیف کنند. بااین حال، بازسازی اعتماد الزاماً به معنای بازگشت به نظارت سنتی اجتماعات کوچک نیست. در جامعه مدرن، قانون، نهادهای قابل‌اتکا، نظام قضایی مستقل و سازوکارهای شفاف پاسخگویی باید بتوانند بخشی از وظایفی را انجام دهند که در اجتماعات کوچک بر عهده شناخت شخصی و تکرار روابط بوده است.

حال به پرسش اصلی بازگردیم: چگونه می‌توان از تعادل بی‌اعتمادی و امتیازخواهی خارج شد؟ از منظر نظریه بازی‌ها، توصیه به درستکاری لازم است، اما کافی نیست. باید ساختار بازی تغییر کند؛ یعنی قواعد، اطلاعات، هزینه‌ها و منافع چنان تنظیم شود که همکاری و رعایت قانون برای بازیگران انتخابی عقلایی باشد. شفاف‌شدن ضوابط تخصیص منابع، محدودشدن اختیارهای سلیقه‌ای، امکان اعتراض مؤثر و اعمال یکسان قانون، هزینه تخلف را افزایش می‌دهد و منفعت رفتار قانونی را بیشتر می‌کند. در چنین شرایطی، انتظار افراد از رفتار دیگران نیز به‌تدریج تغییر خواهد کرد.

در اینجا مفهوم «تعهد معتبر» اهمیت ویژه‌ای دارد. وعده اصلاح زمانی اعتماد ایجاد می‌کند که اجرای آن صرفاً به اراده بعدی وعده‌دهنده وابسته نباشد. برای مثال، اگر دولت وعده دهد که تسهیلات بانکی بر اساس ضوابط عادلانه تخصیص می‌یابد، انتشار معیارها، امکان بررسی دریافت‌کنندگان، نظارت مستقل و رسیدگی به اعتراض‌ها به احتمال زیاد آن وعده را معتبرتر می‌کند. همچنین باید توجه داشت که برخی گروه‌ها از اصلاح زیان می‌بینند و ممکن است برای جلوگیری از آن تلاش کنند. بنابراین، طراحی اصلاحات باید علاوه بر منافع عمومی، مقاومت گروه‌های ذی‌نفع و هزینه‌های‌گذار برای مردم را نیز در نظر بگیرد.

تشکل‌های حرفه‌ای، انجمن‌های علمی، رسانه‌ها و گروه‌های مدنی نیز می‌توانند در تغییر تعادل نقش داشته باشند. منافع صاحبان امتیاز معمولاً متمرکز است و آنان برای دفاع از آن انگیزه و امکانات بیشتری دارند؛ اما زیان مردم میان شمار فراوانی از شهروندان پراکنده می‌شود. تشکل‌ها می‌توانند با گردآوری اطلاعات، صورت‌بندی مطالبات مشترک و پیگیری مستمر، هزینه هماهنگی شهروندان را کاهش دهند. در زبان نظریه بازی‌ها، این نهادها امکان همکاری و اقدام جمعی را افزایش می‌دهند و می‌توانند موازنه انگیزه‌ها را تغییر دهند.

برای گروه‌های نخبگانی نیز این بحث معنای عملی دارد. یک جمع علمی و حرفه‌ای زمانی می‌تواند سرمایه اجتماعی ایجاد کند که اعضای آن از قواعد روشن، امکان اظهارنظر و احترام متقابل برخوردار باشند و بدانند مشارکتشان بی‌اثر نیست. شنیدن نظر دیگران، تأیید نکته‌ای مفید، نقد محترمانه و پاسخگویی در تصمیم‌های مشترک، تعاملات تکرارشونده‌ای ایجاد می‌کند که در آن همکاری ارزش بیشتری پیدا می‌کند. اگر اعضا انتظار داشته باشند که دیگران نیز به این قواعد پایبند بمانند، مشارکت برای آنان کم‌هزینه‌تر و ثمربخش‌تر خواهد شد. این تجربه کوچک را می‌توان تمرینی برای فهم سازوکارهای اعتماد در مقیاس جامعه دانست.

از منظر نظریه بازی‌ها، «بازگشت به مردم» زمانی تحقق می‌یابد که قواعد و بازآوردهای بازی میان دولت و شهروندان تغییر کند. دولتی که اختیار وضع و اجرای قواعد را در دست دارد، در ایجاد تعهد معتبر و تغییر انتظارهای عمومی نیز مسئولیت بیشتری دارد. اگر شهروندان ببینند که اعتراضشان پاسخ می‌گیرد، خطای تصمیم‌گیرنده اصلاح می‌شود، قانون درباره صاحبان نفوذ نیز اجرا می‌شود و مشارکت آنان بر تصمیم‌های عمومی اثر می‌گذارد، بازآورد مورد انتظار همکاری تغییر می‌کند. در مقابل، وعده‌های تکراری بدون اقدام قابل مشاهده ممکن است تعادل بی‌اعتمادی را پایدارتر سازد.

بنابراین، مسأله اصلی تنها دعوت مردم به اعتماد یا دعوت دولت به شنیدن صدای مردم نیست؛ مسأله، انتقال از یک تعادل نامطلوب به تعادلی است که در آن همکاری، رعایت حقوق دیگران و پاسخگویی برای بازیگران منفعت بیشتری داشته باشد. چنین انتقالی به تغییر قواعد، کاهش امتیازهای انحصاری، تعهدات معتبر، امکان نظارت و تکرار تجربه‌های موفق همکاری نیاز دارد. نظریه بازی‌ها به ما یادآوری می‌کند که حتی اگر همه از وضع موجود ناراضی باشند، تغییر خودبه‌خود رخ نمی‌دهد. باید شرایطی فراهم شود که بازیگران، با در نظر گرفتن رفتار و انتظارهای یکدیگر، انگیزه انتخاب استراتژی‌های تازه را پیدا کنند. بازسازی اعتماد عمومی نیز از همین مسیر می‌گذرد: تغییر ساختار انگیزه‌ها و فراهم‌کردن امکان حرکت از تعادل بی‌اعتمادی به تعادل همکاری.



عکس: ایرنا

> مسأله اصلی تنها دعوت مردم به اعتماد یا دعوت دولت به شنیدن صدای مردم نیست؛ مسأله، انتقال از یک تعادل نامطلوب به تعادلی است که در آن همکاری، رعایت حقوق دیگران و پاسخگویی برای بازیگران منفعت بیشتری داشته باشد. چنین انتقالی به تغییر قواعد، کاهش امتیازهای انحصاری، تعهدات معتبر، امکان نظارت و تکرار تجربه‌های موفق همکاری نیاز دارد

معاون وزیر اقتصاد، فضاسازی‌ها علیه پرونده ایران در نشست FATF رم را رد کرد

دردسر جایگزینی برداشت‌های سیاسی با تفسیرهای حقوقی و فنی

گزارش

گروه سیاسی

نشست اخیر گروه ویژه اقدام مالی (FATF) در رم، بار دیگر پرونده ایران در این نهاد بین‌المللی را به کانون توجهات بازگرداند. نشستی که برخلاف فضاسازی برخی جریان‌های مخالف عادی‌سازی روابط ایران با این نهاد، با ثبت پیشرفت‌هایی در پرونده کشورمان همراه بود.

جمهوری اسلامی ایران در جریان مذاکرات و دفاعیات فنی خود، با وجود حضور نمایندگان آمریکا و رژیم صهیونیستی و تلاش آنها برای جلوگیری از پیشرفت پرونده، توانست موافقت و اجماع اعضای FATF را درباره پیشرفت ۱۰ بند از برنامه اقدام ۴۰ بندی خود به دست آورد. این در حالی است که در یک سال گذشته نیز پنج مورد از ۱۰ حق تحفظ ایران درباره کنوانسیون‌های پالرمو و CFT مورد پذیرش اعضای این گروه قرار گرفته است.

با این حال، انتشار بیانیه اخیر FATF و تأکید بر باقی ماندن ایران در فهرست کشورهای پرخطر، بار دیگر بهانه‌ای برای طرح این ادعا فراهم کرد که تلاش‌های دولت چهاردهم برای بهبود وضعیت ایران در این نهاد بی‌نتیجه بوده است. این در حالی است که هادی خانی، معاون وزیر اقتصاد و رئیس مرکز اطلاعات مالی در تشریح جزئیات اجلاس رم، ضمن توضیح درباره ماهیت پیشرفت‌های حاصل شده، از سه انحراف اساسی در مسیر بررسی پرونده ایران در FATF پرده برداشته و به مجموعه‌ای از پرسش‌ها و اتهامات مطرح شده درباره این پرونده پاسخ داده است.



خانی در گفت‌وگو با ایرنا، توضیح داد که FATF طی این سال‌ها اجرای برنامه اقدام ایران را دنبال کرده و همچنان معتقد است تکمیل این برنامه و اثبات اجرای تعهدات آن، پیش‌شرط خروج ایران از فهرست کشورهای پرخطر است. در همین چارچوب، ایران طی یک سال گذشته سه نشست و دور مذاکره با این نهاد داشته و توانسته است در مجموع پنج مورد از ۱۰ حق تحفظ خود درباره کنوانسیون‌های پالرمو و CFT را به تأیید اعضا برساند. علاوه بر این، اصلاحاتی که در آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم انجام شده، زمینه پذیرش پیشرفت ۱۰ بند از برنامه اقدام ۴۰ بندی ایران را فراهم کرده است. خانی با اشاره به اینکه نمایندگان کشورهای مختلف عمدتاً نظارگر دفاعیات ایران در برابر پرسش‌های نمایندگان کشورهای اصلی FATF بودند، اظهار کرد: «حتی نمایندگان آمریکا نیز نتوانستند پرسشی مطرح کنند که هیأت ایرانی از پاسخ فنی به آن ناتوان باشد و در نهایت پیشرفت‌های مورد نظر ایران با اجماع اعضا پذیرفته شد. این اتفاق، در واقع پاسخی عملی به این ادعاست که با حضور آمریکا و رژیم صهیونیستی در FATF اساساً امکان دفاع موفق از پرونده ایران وجود ندارد.»

پرونده‌ای که ۸ سال در مجمع تشخیص معطل ماند

یکی از مهم‌ترین بخش‌های اظهارات رئیس مرکز اطلاعات مالی، روایت وی از روند تصویب الحاق ایران به دو کنوانسیون پالرمو و CFT بود. روندی که به گفته او، هشت سال در مجمع تشخیص مصلحت نظام متوقف ماند و بخش مهمی از این تأخیر ناشی از طرح نگرانی‌ها و تفسیرهای غیرتخصصی درباره مفاد این دو کنوانسیون بود. خانی با توصیف این ماجرا به عنوان داستانی دردناک، تأکید کرد: «در نهایت اعضای مجمع تشخیص پس از بررسی‌های کارشناسی و دریافت توضیحات حقوقی، به جمع‌بندی برای الحاق ایران به این دو کنوانسیون رسیدند.»

چرا با تصویب پالرمو و CFT ایران از لیست سیاه خارج نشد؟

یکی از پرسش‌های مهم در پرونده FATF این است که اگر الحاق به پالرمو و CFT انجام شده، چرا ایران همچنان در فهرست کشورهای پرخطر باقی مانده است؟ خانی در پاسخ به این پرسش توضیح داد: «برخلاف تصور برخی افراد، تصویب این دو کنوانسیون به معنای خروج فوری ایران از فهرست سیاه نبوده است.»

به گفته وی، ایران در زمان الحاق به این دو کنوانسیون ۱۰ شرط و حق تحفظ تعیین کرده است؛ تعداد قابل توجهی که در مقایسه با رویه سایر کشورها کم سابقه بوده و حتی برای اعضای FATF نیز پرسش‌برانگیز شده است. در مذاکرات، نمایندگان این نهاد از هیأت ایرانی پرسیده‌اند کشوری که مدعی است با جرایم سازمان‌یافته فراملی و تأمین مالی تروریسم مقابله می‌کند، چرا برای اجرای مفاد این کنوانسیون‌ها تا این اندازه تحفظ تعیین کرده است؟

خانی افزود: «شخصاً از ابتدا با تعیین تعداد زیادی شرط مخالف بودم، اما به عنوان نماینده جمهوری اسلامی ایران وظیفه داشتم از تحفظ‌های تصویب شده دفاع کنم. این دفاعیات طی جلسات یک سال گذشته دنبال شده و در نهایت پنج مورد از ۱۰ شرط ایران مورد پذیرش اعضا قرار گرفته است. پنج شرط دیگر نیز به دلیل قانع‌کننده نبودن دفاعیات ایران از نظر اعضای FATF پذیرفته نشده است.»

نکته مهم دیگر این است که FATF از سه کشور حاضر در فهرست سیاه، یعنی ایران، کره شمالی و میانمار، گزارش‌های پیشرفت دوره‌ای درخواست می‌کند. بنابراین، روند خروج از این فهرست مستلزم ارائه گزارش، بررسی اقدامات انجام شده و اثبات اجرای تعهدات است و نمی‌توان انتظار داشت صرف تصویب یک کنوانسیون، وضعیت کشور بلافاصله تغییر کند.

رئیس مرکز اطلاعات مالی همچنین به بیانیه اخیر FATF اشاره کرده و گفت: «مقایسه آن با بیانیه‌های قبلی نشان‌دهنده پیشرفت پرونده ایران است. در ارزیابی جدید، بخش عمده بندهای برنامه اقدام مورد پذیرش قرار گرفته و از مجموع ۴۰ بند، تنها حدود ۱۴ یا ۱۵ بند همچنان مورد پذیرش و اجماع قرار نگرفته است. بنابراین، باقی ماندن ایران در فهرست سیاه به معنای بی‌نتیجه بودن مذاکرات و اقدامات انجام شده نیست.»

سه انحراف در پرونده FATF

خانی در بخش دیگری از این گفت‌وگو، به سه انحراف اساسی مخالفان عادی‌سازی پرونده ایران در FATF پرداخت. به گفته رئیس مرکز اطلاعات مالی، انحراف نخست، جایگزین کردن تفسیرهای شخصی و سیاسی به جای تفسیرهای حقوقی و فنی اسناد بین‌المللی است.

مثلاً در سال‌های گذشته بارها ادعا شده که الحاق ایران به پالرمو و CFT به معنای ارائه اطلاعات بانکی و تراکنش‌های مالی کشور به طرف‌های غربی است یا اینکه عادی‌سازی روابط با FATF ایران را ملزم می‌کند برخی گروه‌ها و جریان‌های مقاومت را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار دهد. وی این ادعاها را فاقد مستندات حقوقی دانسته و تأکید کرد: «هیچ ماده‌ای از کنوانسیون‌ها یا توصیه‌های FATF چنین الزامی را برای ایران ایجاد نمی‌کند.»

معاون وزیر اقتصاد ادامه داد: «انحراف دوم، تلاش برای پاک کردن صورت‌مسأله و خارج کردن پرونده FATF از دستور کار بوده است. برخی به جای تلاش برای حل مشکلات و مدیریت تعهدات بین‌المللی کشور، اساساً خواستار مسکوت ماندن این پرونده بودند. این رویکرد غیرواقع‌بینانه بود. چرا که نمی‌توان با نادیده گرفتن FATF، آثار و تبعات آن را از نظام مالی بین‌المللی حذف کرد.»

به گفته رئیس مرکز اطلاعات مالی، انحراف سوم نیز القای این تصور به مسئولان کشور بوده که با حضور آمریکا و رژیم صهیونیستی در FATF، اساساً هیچ نتیجه‌ای به نفع ایران از مذاکرات حاصل نخواهد شد. این ادعا نیز در عمل نادرست از آب درآمده است. چراکه هیأت ایرانی با وجود محدودیت امکانات و نبود همکاری کافی برخی دستگاه‌های داخلی، توانسته است با اتکا به اصلاحات انجام شده و دفاعیات حقوقی، موافقت اعضا را درباره بخشی از مطالبات ایران جلب کند.

آیا FATF از ایران اطلاعات تراکنش‌های بانکی را مطالبه می‌کند؟

کدام کشور تاکنون تراکنش‌های مالی خود را در اختیار FATF قرار داده است که ایران قرار باشد دومین کشور باشد؟ خانی با طرح این سؤال ادامه داد: «هیچ یک از توصیه‌های FATF کشورها را ملزم نمی‌کند اطلاعات عمومی تراکنش‌های بانکی خود را در اختیار این نهاد یا سایر کشورها قرار دهند و مخالفان باید مشخص کنند چنین الزامی در کدام ماده یا بند از اسناد این گروه آمده است.»

وی این ادعا را توهین به شأن دستگاه‌های امنیتی، قضایی و نظارتی کشور دانست و افزود: «چگونه ممکن است نهادهای مسئول کشور متوجه انتقال اطلاعات بانکی نشده باشند، اما افرادی که حتی در جلسات تخصصی حضور نداشته‌اند از وقوع چنین اتفاقی خبر داشته باشند؟»

ادعای دیگری که معاون وزیر اقتصاد به آن پاسخ داد، الزام ایران به تروریستی اعلام کردن گروه‌های مقاومت در صورت عادی‌سازی روابط با FATF است. خانی این ادعا را نیز فاقد مبنای حقوقی دانست و تأکید کرد: «هیچ سندی از این نهاد وجود ندارد که ایران را ملزم به تروریستی اعلام کردن گروه‌های مقاومت کند.»

وی برای توضیح سازوکار مورد استناد FATF به قطعنامه‌های ۱۲۶۷ و ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل اشاره کرد و گفت: «قطعنامه ۱۲۶۷ ناظر بر فهرست گروه‌های تروریستی مشخص‌شده در چارچوب سازمان ملل، از جمله داعش و القاعده است و قطعنامه ۱۳۷۳ نیز به کشورها اجازه می‌دهد درباره تروریسم داخلی و اشخاصی که در قلمرو خود مرتکب اقدامات تروریستی شده‌اند، تصمیم‌گیری کنند.»

رئیس مرکز اطلاعات مالی در ادامه سخنان خود، در پاسخ به این دیدگاه که عضویت ایران در سازمان‌هایی مانند بریکس و شانگهای می‌تواند جایگزین همکاری با FATF شود، توضیح داد: «اتفاقاً کشورهای عضو این دو مجموعه نیز در نظام استانداردهای مالی بین‌المللی فعالیت می‌کنند و اعضای اصلی FATF هستند.»

به گفته خانی، کشورهای عضو بریکس و شانگهای در مذاکرات خصوصی به ایران اعلام می‌کنند که از نظر سیاسی با کشورمان مشکلی ندارند، اما بانک‌های آنها ملزم به رعایت استانداردهای بین‌المللی هستند و نمی‌توانند صرفاً به دلیل روابط دوستانه با ایران از اجرای این استانداردها چشم‌پوشی کنند.

معاون وزیر اقتصاد، در پایان سخنان خود گفت: «چرا عده‌ای همیشه القای نگرانی می‌کنند؟ گواهینامه اف‌ای‌تی‌اف سال به سال تمدید می‌شود خب اگر دغدغه داشتید و نگرانی‌هایتان محقق شد، سال آینده برای تمدید آن اقدام نکنید. توانستیم ثابت کنیم جلسات دفاعیه ما در اف‌ای‌تی‌اف سیاسی نیست و کاملاً فنی، حقوقی و اقتصادی است و توضیحات ما پذیرفته شد. من به یکی از کسانی که مرتباً علیه پیگیری‌های پرونده ایران در اف‌ای‌تی‌اف با رسانه‌ها مصاحبه می‌کند، گفتم ای کاش حاضر شوید در مراجع قضایی علیه اقدامات مرکز اطلاعات مالی طرح دعوا و اثبات کنید که ما در حال دادن تراکنش‌های مالی کشور به سایر کشورها هستیم یا اصلاً به دستگاه‌های امنیتی گزارش دهید که مرکز اطلاعات مالی گزارش وارونه از واقعیت‌ها ارائه می‌دهد. این افراد اصلاً مستندات را نمی‌خوانند.»

> کشورهای عضو سازمان همکاری های شانگهای و بریکس در نظام استانداردهای مالی بین‌المللی فعالیت می‌کنند و اعضای اصلی FATF هستند. کشورهای عضو این دو مجموعه در مذاکرات خصوصی به ایران اعلام می‌کنند که از نظر سیاسی با کشورمان مشکلی ندارند، اما بانک‌های آنها ملزم به رعایت استانداردهای بین‌المللی هستند و نمی‌توانند صرفاً به دلیل روابط دوستانه با ایران از اجرای این استانداردها چشم‌پوشی کنند